

هانری کربن نشان داد که بعد از ابن رشد هم فلسفه اسلامی ادامه دارد

ترزن درورات استاد فلسفه آمریکایی گفت: کاری که هانری کربن انجام داد نشان داد که مباحث جدی‌ای در فلسفه اسلامی بعد از ابن رشد وجود دارد که می‌توان به آن‌ها پرداخت.



ترزن درورات استاد فلسفه آمریکایی گفت: کاری که هانری کربن انجام داد نشان داد که مباحث جدی‌ای در فلسفه اسلامی بعد از ابن رشد وجود دارد که می‌توان به آن‌ها پرداخت.

به گزارش خبرنگار مهر، در ادامه سلسله گفتگوهای که معاونت پژوهشی دانشکده الهیات دانشگاه تهران با چهره‌های فلسفی جهانی برگزار می‌کند، نادیا مفتونی استاد این دانشگاه همزمان با شب یلدا با ترزن درورات استاد بازنشسته فلسفه در دانشگاه کاتولیک آمریکا درباره موضوع «لذات فلسفه» گفتگو کرد.

ترزن درورات در این نشست درباره زمینه آشنایی اش با فارابی گفت: دست شانس مرا به فارابی رساند و دلایلش این بود که درباره افلاطون کار کرده بودم و از پژوهش‌های لئو اشتراوس بهره برده بودم که روی هر دو متفکر کار کرده بود.

هانری کربن نشان داد که بعد از ابن رشد هم فلسفه اسلامی ادامه دارد

او همچنین اشاره کرد: آنچه در عالم غرب از فلسفه اسلامی دریافت شده بود با ابن رشد پایان می‌یافت گویی که بعد از او اتفاقی نیفتاده است. اما کاری که هانری کربن انجام داد نشان داد که چنین نیست و مباحث جدی‌ای در فلسفه اسلامی بعد از ابن رشد هم وجود دارد که می‌توان به آن‌ها پرداخت. از این حیث کار کربن برای خیلی‌ها تکان دهنده بود.

درورات در این نشست پژوهش درباره فارابی را زمینه‌ای جذاب و پیچیده برای پژوهش برشمرد و گفت: یکی از دلایلش این است که بسیاری از رسائل فارابی هنوز به خوبی تصحیح نشده‌اند. وقتی متون تصحیح شده خوبی در دسترس نباشد پژوهش دشوار خواهد بود. پیدا کردن برخی نسخه‌ها هم بسیار سخت است. همچنین فارابی ابعاد فکری گسترده‌ای دارد که هنوز نمی‌دانیم چگونه خیلی مباحثش را در کنار هم قرار دهیم. علاوه بر این چیز زیادی درباره گاه شمار زندگی و نگارش آثارش نمی‌دانیم. بنابراین اگر در دو اثر فارابی دو دیدگاه متفاوت پیرامون یک موضوع دیده شود نمی‌دانیم که آیا به سبب مخاطب شناسی دارد به گونه‌ای دیگر سخن می‌گوید یا این که نظرش درباره آن موضوع عوض شده است. بنابراین فارابی مملو از معماهای کوچک است که همین موضوع او پژوهش در آثار او را به امری سرگرم کننده بدل می‌کند.

درورات افزود: فارابی موضوع خیلی جالبی برای پژوهش است چرا که او در سرآغاز فلسفه اسلامی قرار دارد و کماکان در حال دست و پنجه نرم کردن با این امر است که چه بگوید و چگونه آنچه را که از فلاسفه پیشین خوانده هضم کند. به نظرم او از سر ادب به پیروی از ارسطو اذعان می‌کند اما او به شیوه‌ای مستقل عمل می‌کند. اگر آثار او را در کنار آثار ارسطو بررسی کنیم مشاهده می‌کنیم که دارد از ارسطو فاصله می‌گیرد اما این واقعیت را بی‌پرده بیان نمی‌کند. یکی از ویژگی‌های فارابی این است که به گوناگونی و تکثر فرهنگی توجه ویژه‌ای دارد و این توجه در فلاسفه بعد از او به این کیفیت دیده نمی‌شود.

درورات درباره نظریات مفتونی پیرامون علم اخلاق فارابی گفت: معتقدم جای کار فراوانی درباره علم اخلاق فارابی وجود دارد و اصولاً در فلسفه اسلامی کار زیادی درباره علم اخلاق انجام نشده است. از این رو آن چه شما انجام می‌دهید بسیار مفید است.

درورات درباره تعاملش با پژوهشگران ایرانی گفت: من در برهه‌ای با حسین ضیایی ملاقات داشتم و رفتار او را دوست داشتم. او خیلی سرزنده بود و تلاش وافر در بررسی متون فلسفی داشت. اما ارتباط زیادی با دیگر ایرانیان نداشتم. به نظرم یکی از دلایلش این است که تمایل فلسفی من به دوران اولیه فلسفه اسلامی است اما علاقه عمومی در ایران به ابن سینا و بعد از او معطوف است. البته به نظرم تمایل به فارابی در ایران هم بیشتر شده است خصوصاً از زمانی که معلوم شد به احتمال زیاد فارابی هم فارس بوده است و نه ترک، آنچنان که پیشتر تصور می‌شد.

مفتونی، عضو هیأت علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران در گروه فلسفه و کلام اسلامی پیش از این با ۲۱ فیلسوف مشهور جهانی دیگر مثل چامسکی و ژبژک درباره موضوعات متنوعی گفتگو کرده است.